

درگیریهای مسلحانه در پایان جنگ سرد

□ نوشته: «پیتر والنستین» و «کارین آکسل» از مؤسسه پژوهشی صلح و جنگ - دانشگاه آپسالا - سوئد

■ نقد و ترجمه: دکتر سعیده لطفیان استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دانشگاه تهران

نقد مقاله:

با بررسی درگیریهای مسلحانه در دوران پس از جنگ سرد، «والنستین» و «آکسل» به چند نتیجه کلی می‌رسند:

(۱) ۸۲ مورد درگیری مسلحانه در سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۲ در ۶۰ مکان جغرافیایی رخ داده، ۶۴ دولت به گونه‌ای در آنها دخالت داشته‌اند، و تعداد کشته شدگان عددی ۶ رقمی بوده است.

(۲) با وجود اینکه ۲۵ جنگ در بین این ۸۲ درگیری مسلحانه دیده می‌شود، قابل توجه است که تعداد درگیری‌ها با شدت کم سریعتر افزایش یافته است. به عبارت دیگر، در صورت ادامه این روند، جهان بیشتر شاهد اینگونه درگیری‌های مسلحانه و درون - کشوری خواهد بود تا جنگ تمام عیار و درگیری‌های مسلحانه بین - کشوری.

(۳) در مورد توزیع منطقه‌ای، این دو پژوهشگر ابراز می‌دارند که پایان جنگ سرد همراه با افزایش تعداد درگیری‌های مسلحانه در اروپا بوده، و فقط آمریکای شمالی از اینگونه اختلافها مصون مانده است. با در نظر گرفتن رویدادهای

اخیر در مکزیک و برخورد مسلحانه بین کشاورزان مکزیک و عضو نهاد آزادیبخش زاپاتیستها و نیروهای نظامی آن کشور که منجر به کشته شدن صدها نفر گردیده است، باید نتیجه بگیریم که آمریکای شمالی نیز دستخوش شورشهای مسلحانه بوده، و از این قاعده کلی در نظام جهانی کنونی مستثنی نمی‌باشد.

بنابراین، فروپاشی اتحاد شوروی و خاتمه اتحاد سیاسی کشورهای بلوک شرق موجبات برقراری صلح و امنیت جهانی را فراهم نکرده، و بسیاری از دولت‌ها و نهادهای مخالف با آنها می‌کوشند با استفاده از نیروهای نظامی و توسل به زور در سیاست بین الملل و در سطح ملی به اهداف خود برسند.

برای اکثریت گروه‌های ضد دولتی مسئله خودمختاری و استقلال کامل و یا محدود اهمیت دارد، در حالی که دولت‌ها نگران از دست دادن قدرت کنترل قلمروهای مورد نزاع هستند، به حفظ تمامیت ارضی کشور می‌اندیشند، و برای جلوگیری از افزایش قدرت گروه‌های مخالف، به سرکوبی آنها پرداخته و حتی متوسل به جنگ شده‌اند. در دوران جنگ سرد، غالباً ادعا می‌شد که بازدارندگی هسته‌ای و وجود دو قطب شرق و غرب به صلح

جهانی کمک کرده است. بی‌گمان این ادعا فقط در مورد اروپا تا حدی صادق بود زیرا جنگ‌های سنتی بین - کشوری در خاک اروپا رخ نداد (انهم در صورتی که جنگ‌های «ماهی» کوتاه مدت بین ایسلند و انگلستان بر سر حقوق ماهیگیری در آبهای ساحلی ایسلند در اوایل دهه ۱۹۷۰ را در نظر بگیریم).

در بیشتر نقاط دنیا، موارد متعددی از درگیری دیده می‌شود، پس نه از خشونت جنگ و نه از شمار موارد آن کاسته شده بود. در حال حاضر نیز که جنگ سرد پایان یافته تلقی می‌شود، صلح و آرامش سیاسی به جهانیان هدیه نشده است. ما فقط ناظر کاهش جنگ‌های استعماری در جهان در حال توسعه هستیم. جنگ‌هایی از نوع مدرن تر روی داده که عموماً بر سر مسائلی مانند خودمختاری ملی، تعیین حدود مرزها، کسب آزادیهای سیاسی برای گروه‌های قومی و نژادی خاص، مبارزه داخلی برای کسب قدرت، و تلاش قدرتهای بزرگ در راه گسترش نفوذشان در مناطق جغرافیایی دارای اهمیت استراتژیک اقتصادی و سیاسی بوده است.

نکته با اهمیت در مطالعه «والنستین» و «آکسل» اینست که کوشیده‌اند اطلاعات جدیدی در مورد دولت‌ها و نهادهای گوناگونی که درگیر درگیری‌های مسلحانه بوده‌اند، گردآوری کنند. باید در مراحل بعدی این آمار کاملتر تجزیه و تحلیل شود تا پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر به دست آوریم: چه عواملی باعث می‌شود که تصمیم‌گیران (خواه در دولت یا در نهادهای ضد دولت) از نیروی نظامی برای رسیدن به هدف‌های خود استفاده کنند؟ آیا عواملی که سبب برخوردهای مسلحانه می‌شود مشابه عواملی است که موجب اوج‌گیری و طولانی شدن این درگیری‌ها می‌شود؟

بدون استفاده از زور در روابط بین الملل، کشورهای ضعیف چگونه می‌توانند به اهداف ملی خود برسند؟ و برای گروه‌های زیر ملی، غیر از مبارزه مسلحانه چه راه‌حلهایی وجود دارد تا دولت‌ها را متقاعد کنند که خواسته‌های آنان را بپذیرند؟ به عبارت دیگر، آیا راهی برای برقراری صلح جهانی و امنیت جهانی، ملی و فردی وجود دارد؟

* این مقاله در منبع زیر چاپ شده است:

Wallensteen, Peter & Karin Axell. «Armed Conflict at the End of the Cold War, 1989-1992.» Journal of Peace Research. 30, 3 August (1993): 331-46.

○ درگیری‌های مسلحانه: ناسازگاری‌های مجادله‌آمیز ناظر به حکومت و یا قلمرو است که در آنها کاربرد نیروهای نظامی توسط دو طرفی که دست یک‌یکی از آنها حکومت یک کشور است حداقل ۲۵ کشته جنگی به جای گذارد. ۲. ضمیمه ۱ روش‌های عملیاتی را شرح می‌دهد. ضمیمه ۲ حاوی فهرست درگیری‌هایی است که بطور دقیق با معیارها و ضوابط مزبور جور در نمی‌آید.

در جدول ۱، درگیری‌ها بر اساس «مکان» (Location) یعنی منطقه جغرافیایی وقوع درگیری مسلحانه و «ناسازگاری»، یا مسئله‌ای که سبب‌ساز اقدام نظامی بوده، طبقه‌بندی شده است. ۳. جدول ۱، همچنین اطلاعاتی در مورد سطح فعالیت در درگیری، نام نهاد‌های فعال و سال‌های فعال بودن آنها به دست می‌دهد.

○ درگیری‌های مسلحانه: جامع‌ترین مفهومی است که در این بررسی مورد استفاده قرار گرفته است. برای آنکه یک برخورد درگیری مسلحانه شناخته شود، باید منجر به حداقل ۲۵ کشته جنگی در ظرف یک سال شده باشد. ما چند گروه فرعی از درگیری‌های مسلحانه را بر اساس سطح فعالیت از هم متمایز می‌سازیم: ۴.

○ درگیری‌های مسلحانه کوچک: درگیری‌هایی است که در جریان آنها کمتر از ۱۰۰۰ کشته جنگی برجا بماند.

○ درگیری‌های مسلحانه متوسط: درگیری‌هایی است که در جریان آنها بیش از ۱۰۰۰ کشته جنگی به جای مانده و بعلاوه در هر سال خاص بین ۲۵ تا ۱۰۰۰ کشته جنگی را سبب شود. اینها درگیری‌هایی دنباله‌دار است که برخی از آنها در حال حاضر به شدت فعال است و بقیه در گذشته به اوج شدت خود رسیده، اما به جهت لاینحل ماندن، هنوز فعال می‌باشد.

○ جنگها: درگیری‌هایی با بیش از ۱۰۰۰ کشته جنگی در یک سال معین است.

○ درگیری‌های مسلحانه بزرگ: درگیری‌های مسلحانه‌ای است با بیش از ۱۰۰۰ کشته در جریان درگیری (یعنی درگیری‌های مسلحانه متوسط + جنگها).

۲- درگیری‌های مسلحانه و سطح فعالیت:

در طول ۴ سال مورد بررسی، بالغ بر ۸۲ درگیری مسلحانه گزارش شده است. این درگیری‌ها در ۶۰ مکان جغرافیایی رخ داده، و حداقل ۶۴ دولت را درگیر کرده است. بیش از یک سوم دولتهای عضو سازمان ملل متحد، بطور مستقیم حداقل در یک درگیری مسلحانه در این دوره دخالت داشته‌اند و بیش از ۱۵۰ نهاد مخالف به شکل نظامی در آنها درگیر بوده‌اند. در حقیقت رقم واقعی از این هم بالاتر است، زیرا از برخی نهادها بطور جمعی یاد شده است. در بسیاری موارد (برای مثال در افغانستان و کشمیر) تشخیص نهادها از یکدیگر بسیار دشوار است. در موارد دیگر (برای نمونه در فلسطین، گواتمالا، و السالوادور) نهادهایی نقش آفرینند که خود دربرگیرنده چند نهاد می‌باشند. از ۸۲ درگیری مسلحانه، ۳۵ درگیری بعنوان جنگ با حداقل ۱۰۰۰ کشته جنگی در یکسال واحد ثبت شده است. گرچه برای برآورد تعداد کل تلفات ناشی از درگیری‌های مسلحانه این دوره چهار ساله اطلاعات کافی در اختیار نداریم، ولی رقم کشته‌ها تنها در سال ۱۹۹۲ بی‌شک بیش از ۷۰۰۰۰ نفر بوده است. احتمالاً تعداد تلفات در کل دوره زمانی مورد مطالعه، عددی ۶ رقمی است.

بر اساس هر معیاری، تعداد درگیری‌ها و بازیگران گزارش شده بسیار بالاست و مناطق وسیعی از جهان و درصد بالایی از جمعیت دنیا در آنها دخیلند. ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که جهان در این چهار سال با سطح بالایی از فعالیت مسلحانه روبرو بوده است.

نمودار ۱ و جدول ۲ نمایانگر تعداد درگیری‌های مسلحانه در هر یک از سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ و سطح فعالیت آنها می‌باشد. بارزترین تغییر، به

بیش‌بینی‌های پس از جنگ سرد، از تصویر جهانی که جنگ در آن منسوخ گردیده، تادنیایی دست به گریبان خشونت‌های ملی‌گرایانه و قومی، متفاوت است. این مقاله اطلاعاتی در مورد سه سطح متفاوت از درگیری‌های مسلحانه بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ به دست داده و تحلیلی اولیه از آنها را مطرح می‌کند. تاکنون نه بدبینانه‌ترین پیشگویی‌ها به وقوع پیوسته و نه خوش‌بینانه‌ترین آنها. گرچه تا حدودی بر تعداد درگیری‌های مسلحانه افزوده شده، اما این افزایش عمدتاً ناشی از درگیری‌های مسلحانه کوچک - بخصوص از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ - می‌باشد. جنگها (با بیش از ۱۰۰۰ نفر تلفات در ظرف یکسال) و درگیری‌های معتدل تر، تغییرات کمی در این دوره داشته است. از لحاظ مناطق مختلف جغرافیایی، اروپا بطور روزافزونی صحنه درگیری‌های مسلحانه گردیده، درحالی که در آمریکای مرکزی و جنوبی تعداد درگیری‌های مسلحانه در این دوره چهار ساله کاهش یافته است. در آفریقا و آسیا تغییرات اندکی از حیث میزان درگیری‌ها دیده می‌شود و در آمریکای شمالی در تمام این دوره هیچ درگیری مسلحانه‌ای رخ نداده است. پایان جنگ سرد برای درگیری‌هایی که به جای حل شدن موقتاً فرونشاندن شده بود، این امکان را فراهم ساخت تا دوباره سربرآورد. در عین حال، پایان رقابت ابرقدرتها شرایط لازم برای جلوگیری از درگیری‌ها و حل آنها را فراهم آورد و مانع از اوج‌گیری آنها شد. در حال حاضر، این دو نیرو (یعنی خاتمه جنگ سرد و همکاری بیشتر بین رقبای دوران جنگ سرد برای حل اختلافات) یکدیگر را کنترل می‌کنند.

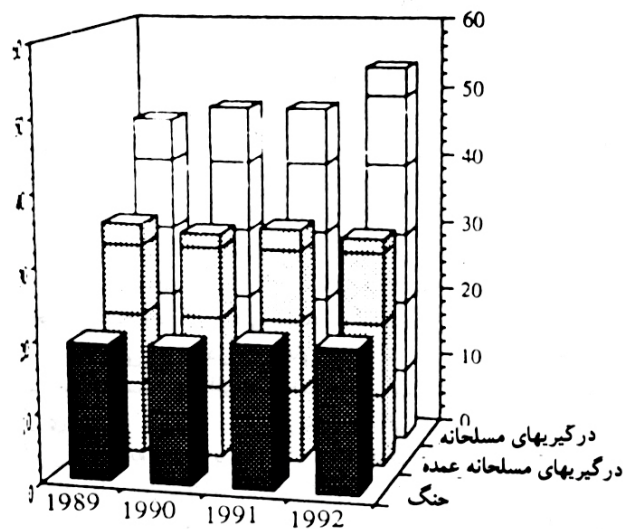
۱- مقدمه:

در طول چهار سال از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ تغییرات مهمی در نظام جهانی مشاهده شده است. در آغاز سال ۱۹۸۹ جهان هنوز به دو بلوک متحد با دو ابرقدرت مسلط تقسیم شده بود. درست است که برای چند سالی تنش‌زدایی در روابط بلوکها وجود داشت، و حرکات چندی نیز به سوی حل اختلافات (برای مثال درگیری‌های افغانستان، ایران، عراق و نامیبیا) صورت گرفت، اما ساختار اصلی نظام جهانی دست نخورده باقی ماند، و درگیری‌های مسلحانه و نیز تلاش برای یافتن راه حل آنها غالباً پلوكها را به خود مشغول می‌داشت. در پایان سال ۱۹۹۲ این وضعیت اساساً دگرگون شده بود. اتحاد جماهیر شوروی به گونه فوق‌العاده مسالمت‌آمیزی تجزیه شد، و جای خود را به ۱۵ کشور داد که همگی با کار دشوار کشورسازی روبرو هستند. ۱. پیمان ورشو منحل شده و آلمان دوباره یکپارچه گردیده است. سربازان شوروی / روسیه در حال بیرون رفتن از اروپای شرقی و مرکزی و سربازان آمریکایی در حال ترك اروپای غربی بودند. نظم جهانی ظاهراً پایداری که حول دو قطب نظامی برپا گردیده بود از هم پاشید. ایالات متحده آمریکا به صورت بازیگر یکه‌تاز در صحنه جهانی ظاهر شد، اما رهبران آمریکا از نقش آینده آن کشور نامطمئن بودند.

ظاهراً نظام دو قطبی در حال برچیده شدن بود، اما جای خود را بلافاصله به نظام تک قطبی و یا چند قطبی نداد و در واقع، هیچ قطبی به وجود نیامد. الگوهای درگیری تغییر یافت و بطور مثال موارد زیر در دستور کار تصمیم‌گیران قرار گرفت: درگیری‌ها در سومالی، یوگسلاوی سابق، و کامبوج، که در آنها ابرقدرتهای پیشین دیگر نقشه ساده‌ای برای تفسیر وضعیت نداشتند.

آیا جهان اکنون به علت فروکش کردن تهدید جنگ هسته‌ای مکان امن‌تری است؟ آیا جنگ منسوخ خواهد شد (مولر، ۱۹۸۹)؟ یا آنکه جهان به دلیل افزایش خشونت ملی‌گرایانه و قومی (مرشیمر، ۱۹۹۰) مکانی ناامن‌تر است؟ این مقاله بدون آنکه قادر به پاسخگویی کامل به چنین پرسش‌هایی باشد اطلاعاتی در زمینه درگیری‌های مسلحانه طی سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ ارائه می‌کند و پاسخهای ممکن را پیشنهاد می‌نماید. در جدول «یک»، با استفاده از تعریف دقیق زیر، کلیه درگیری‌های مسلحانه‌ای که برای هر سال در طول دوره ۱۹۸۹-۱۹۹۲ در جهان جریان

نمودار ۱- شمار درگیریهای مسلحانه برحسب فعالیت و سال



پاناما بود.^۵ بدین ترتیب، بخش عمده درگیریهای جهانی ناظر به همان چیزی است که از لحاظ قانونی بعنوان مسائل داخلی و نه بین‌المللی شناخته می‌شود. به علت پایین بودن شمار درگیریهای بین - کشوری، در ادامه مطلب این تمایز مورد توجه قرار نگرفته است. در سراسر دوره چهار ساله مورد بررسی، از ۸۲ درگیری مسلحانه ۴۰ مورد (یعنی ۴۹٪) بر سر حکومت کشور بوده است. در سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲، این درصد به ترتیب برای هر سال ۵۴، ۴۴، ۵۴ و ۴۶ درصد بوده است. بدین ترتیب، در طول این دوره مشاهده می‌شود که ناسازگاریهای مربوط به حکومت و قلمرو، به تعداد نسبتاً مساوی وجود داشته است.

به هر حال، الگوی منطقه‌ای جالب توجهی در اینجا وجود دارد: در سال ۱۹۹۲ نسبت مناقشات ارضی در اروپا (۸۸٪) و در آسیا (۷۴٪) بسیار بالا، در آفریقا (۳۵٪) و خاورمیانه (۴۳٪) نازل تر از آن، و در قاره آمریکا صفر بوده است. در سراسر این دوره، آسیا محل وقوع نزدیک به نیمی از درگیریهای مسلحانه جاری بر سر قلمرو بوده است. همه درگیریهای ارضی درون - کشوری، به درخواست خودمختاری یا حتی استقلال برای مناطق خاص مربوط می‌شده است. آسیا چند درگیری طولانی از این نوع بویژه در هندوستان، میانمار (برمه) و اندونزی داشته است. در آفریقا، برخلاف باور عامه، چنین نزاع‌هایی متداول نیست، البته هویت قومی اغلب عامل مهمی در سیاست آفریقا بوده اما تجزیه عملی کشورها به ندرت صورت گرفته و تازه‌ترین نمونه چنین جریانی یعنی استقلال اریتره از اتیوپی، غالباً بعنوان نمونه خاصی از استعمارزدانی تلقی می‌شود.

۵- پس از جنگ سرد:

از این بررسی کلی، در مورد درگیریهای مسلحانه پیش آمده در یک دوره چهار ساله، اطلاعات قابل توجهی به دست می‌آید. بطور کلی در این دوره تعداد درگیریهای مسلحانه (خصوصاً در سال ۱۹۹۲ و بویژه درگیریهای مسلحانه کوچک) افزایش یافته است. درگیریهای مسلحانه بزرگ فراوان است ولی تعداد آنها ثابت مانده. بارزترین تغییر آنست که اروپا بار دیگر صحنه درگیریهای مسلحانه شده است. به عبارت دیگر، دوره جدید با دوره جنگ سرد تفاوت دارد، ولی چندان خشونت‌بارتر از آن نیست. قراردادهای خلع سلاح هسته‌ای به جای خود باقیست و بعضی از آنها به مورد اجرا گذاشته شده است. گرچه ترس از گسترش سلاحهای هسته‌ای وجود دارد، اما هنوز شواهدی در دست نیست که دال بر وقوع عملی این امر باشد. در حقیقت، افسوس خوردن از بابت سپری شدن دوران

درگیریهای مسلحانه کوچک یعنی درگیریهای مسلحانه‌ای با کمتر از ۱۰۰۰ کشته جنگی مربوط می‌شود: شمار این درگیریها در سال ۱۹۹۲ به شکل بارزی افزایش یافته است. از تعداد درگیریهای مسلحانه متوسط (یعنی طولانی‌ترین درگیریها) تدریجاً ولی به آهستگی کاسته شده است. از این نوع درگیری، موارد جدیدی پدید آمده است، به ویژه، درگیری کروآتیا که در سال ۱۹۹۱ بعنوان یک جنگ مطرح گردید، در سال بعد از شدت فعالیت آن کاسته شد. تعداد جنگها (یعنی درگیریهای مسلحانه‌ای با بیش از ۱۰۰۰ کشته جنگی در ظرف یکسال) اندکی افزایش یافته است البته نه تا آن اندازه که پوشش خبری رسانه‌های گروهی القا می‌کند. در حقیقت، تعداد درگیریهای مسلحانه بزرگ (یعنی حاصل جمع تعداد دو گروه درگیری‌هایی که دارای بالاترین سطوح فعالیت هستند) در طول این مدت بدون تغییر باقی مانده است. طول دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش، کوتاه اما بسیار با اهمیت است. نمودار ۱ را به چند طریق می‌توان تفسیر کرد. افزایش سریع شمار درگیریهای خفیف (Low Intensity Conflicts) در سال ۱۹۹۲ می‌تواند نمایانگر روند مهمی در آینده باشد. احتمال دارد که تعدادی از این درگیریها (مانند درگیریهای پیش آمده در گرجستان، مولداوی، بوریوندی و نیجر) تشدید گردیده یا طولانی شود. با وجود این، تعداد جنگها در سطح پائین‌تری نگه داشته شده است و این نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی حداقل تا حدودی توانائی جلوگیری از درگیریها را دارد اما تعداد درگیریهای طولانی و دنباله‌دار حاکی از ناتوانی در یافتن راه‌حلی پایدار برای درگیریهای شناخته شده است.

۳- الگوهای منطقه‌ای

نمودار ۲ نشان دهنده توزیع منطقه‌ای درگیریهای مسلحانه است. با نظر به این نمودار افزایش آشکار اینگونه درگیریها را در اروپا مشاهده می‌کنیم، حال آنکه اروپا در طول دوران جنگ سرد عملاً فارغ از هرگونه درگیری نظامی آشکار بوده است. در سال ۱۹۸۹ دو درگیری وجود داشت: یکی جدید و بسیار کوتاه مدت (رومانی)، و دیگری خیلی قدیمی و طولانی (ایرلند شمالی). از ۱۹۸۹ به بعد پیوسته درگیریهای جدیدی پیش آمده است. در اکثر مناطق دیگر، تغییر کمی مشاهده می‌شود. البته در آفریقا گرایش به سمت پایان بخشیدن به برخی از درگیریهای طولانی وجود دارد. تنها در آمریکای مرکزی و جنوبی روند ثابتی از کاهش تعداد درگیریها به چشم می‌خورد. در آمریکای شمالی، هیچ درگیری مسلحانه‌ای در این دوره وجود نداشته است. همانگونه که جدول یک نمایان می‌سازد، تعداد نهاد‌های مخالف (اکثراً نهاد‌های غیر دولتی) که به شکل نظامی در درگیریها فعالیت دارند، بطور کلی تابع تعداد سالانه درگیریها می‌باشد. اما در سال ۱۹۹۲ نسبت به سه سال پیش از آن افزایش چندانی در تعداد بازیگران وجود نداشته که متناظر با افزایش تعداد درگیریها باشد. بعضی از درگیریها که تعداد نقش آفرینان آنها قابل ملاحظه بوده، تا سال ۱۹۹۲ پایان یافته (برای مثال لبنان)، یا به سطح پائین‌تری تنزل یافته بوده (مانند لیبیا). بسیاری از درگیریهای جدید، حداقل در ابتدا، تعداد کمی بازیگر داشته است.

۴- درگیریهای مسلحانه و ناسازگاریها:

در جدول ۱، درگیریها بر این اساس که بر سر حکومت یا قلمرو بوده، طبقه‌بندی شده است. این جداسازی بدان علت صورت گرفته که روشن شود درگیریها آیا بین کشورها یا در درون آنها رخ داده است. در حقیقت، تعداد بسیار اندکی از درگیریهای مسلحانه در زمره درگیریهای سنتی میان کشورها قرار می‌گیرد. تنها در درگیری عراق و کویت، هند و پاکستان، موریتانی و سنگال، و آمریکا و پاناما، دو کشور عضو جامعه بین‌المللی که یکدیگر را متقابلاً به رسمیت شناخته بودند در برابر هم ایستادند. در میان این درگیریها، سه مورد اولی بر سر قلمرو و مورد چهارم بر سر حکومت

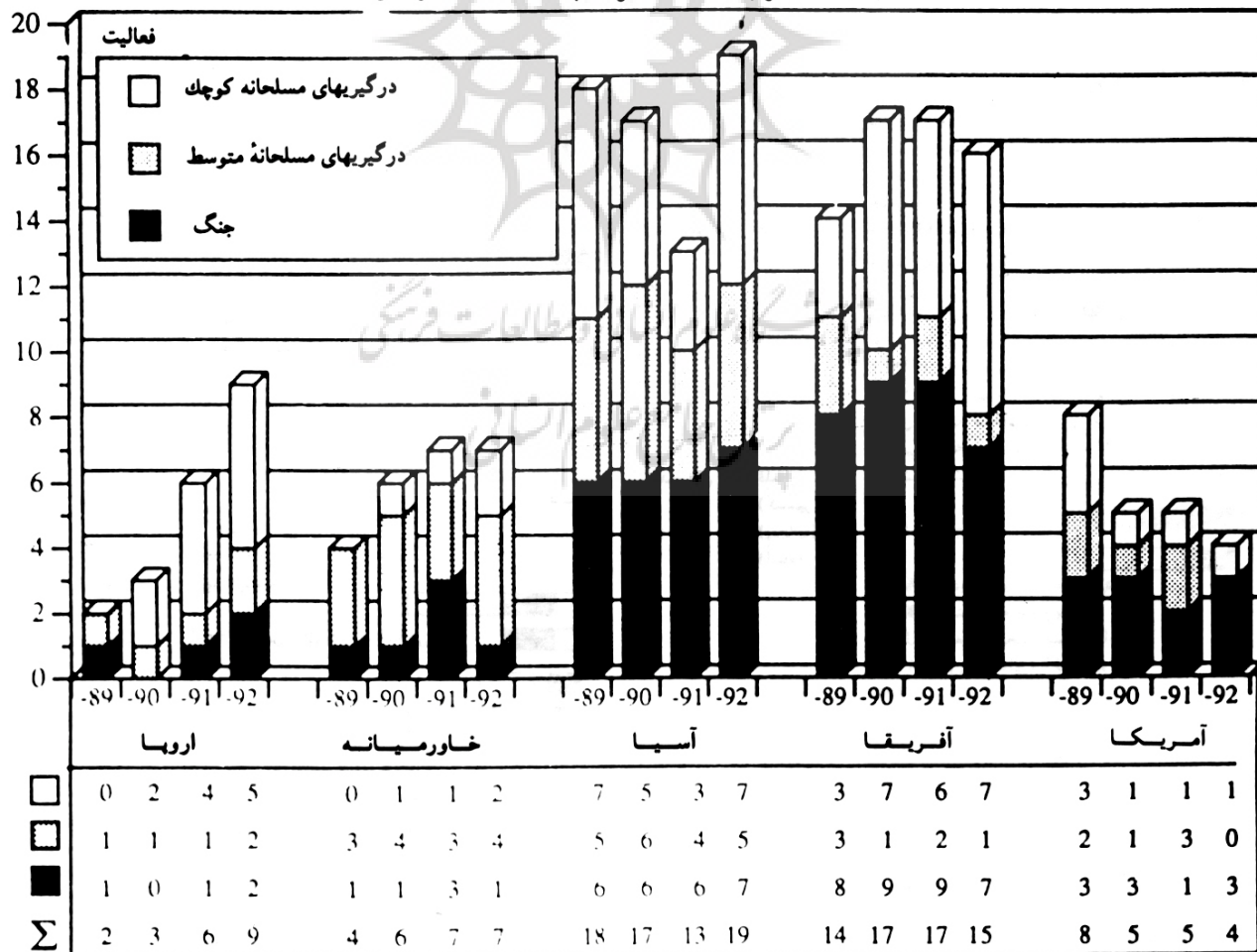
جدول ۲
شمار درگیری های مسلحانه برحسب سطح فعالیت و سال

نوع درگیری	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲
درگیری های مسلحانه کوچک	۱۳	۱۶	۱۵	۲۲
درگیری های مسلحانه متوسط	۱۴	۱۳	۱۳	۱۲
جنگ	۱۹	۱۹	۲۰	۲۰
کل درگیری های مسلحانه	۴۶	۴۸	۴۸	۵۴

درگیری ها روی آورده اند. در برخی موارد، عرضه سلاح متوقف گردیده و این خود در زوال رژیمهائی (همچون اتیوپی) که در گذشته مورد حمایت ابرقدرتها بودند نقش داشته است. قطع ارسال اسلحه ممکن است منجر به از دست رفتن قدرت کنترل بعضی از بازیگران (بطور نمونه یونیتا UNITA در آنگولا) شده باشد. در ظاهر، درگیری های صعب العلاج (مثل مورد لبنان) خاتمه یافته است.

به دیگر سخن، ثابت ماندن تعداد درگیری های مسلحانه بزرگ بطور اساسی، نتیجه عملکرد دو نیروی مختلف الجبهت بوده است. از یکسو عناصری وجود داشته اند که در پی پایان بخشیدن به ناسازگاریهای موجود از طرق نظامی بوده اند و این خود منجر به درگیری های جدید و باعث افزایش شمار آنها می شده؛ از سوی دیگر، عناصری بوده اند که درگیری های موجود را از راه مذاکرات و قراردادهای صلح حل کرده و تعداد درگیری ها را پائین می آورده اند. خاتمه جنگ سرد بر هر دو طرف معادله اثر گذاشته و این خود موجب ثابت ماندن رقم کلی درگیری های مسلحانه شده است.

نمودار ۲- درگیریهای مسلحانه برحسب فعالیت، منطقه و سال



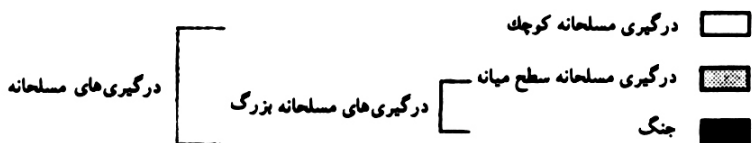
جنگ سرد یعنی دورانی که درگیری های مسلحانه بسیاری را شامل بود، تا اندازه ای بی مورد است.

به هر حال، هنوز برای قضاوت نهایی خیلی زود است. سال ۱۹۹۲، یعنی تنها سالی که بطور آشکار فراسوی جنگ سرد قرار داشت، به لحاظ افزایش چشمگیر میزان درگیری های مسلحانه کوچک، حاکی از آینده ناخوشایندی بود. لیکن، در عین حال تعداد جنگها افزایش پیدا نکرد. بطور کلی، این اطلاعات مشخص می سازد که نظام دو قطبی هسته ای و نظام غیر قطبی هسته ای هر دو با سطح بالای درگیری های مسلحانه سازگاری دارد.

مهم ترین تغییر پس از جنگ سرد در اروپا روی داده است. احتمالاً نظام دو قطبی جنگ سرد تعدادی از درگیری ها (بویژه در اروپا) را زیر خاکسترو منجمد نگه داشته بود. در مناطق دیگر، جنگ سرد در واقع جنگی کاملاً گرم بود. در نتیجه، پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، سبب ظهور دوباره درگیری هائی گردیده که به جای حل شدن فرونشاندن شده بودند.

اما، این افزایش شمار درگیری های مسلحانه در اروپا با افزایشهای مشابهی در سایر مناطق همراه نبوده است. شاید این نشان دهنده پیوند نداشتن رویدادهای اروپا با دیگر مناطق جغرافیائی باشد. در آمریکای مرکزی و جنوبی، تعداد درگیری های مسلحانه کاهش یافته است. در این منطقه (به خصوص در نیکاراگوئه و السالوادور) در نتیجه اجرای روشهای موفقیت آمیز حل و فصل اختلافات، شرایط شکننده ولی ملایمتری بوجود آمده است. در آفریقا (بویژه در صحرای غربی، اما با شکستهای مثلاً در آنگولا) راه حل هائی پیدا شده است. شاید بتوان درگیری های جهان سوم را از لحاظ تاریخی با خاتمه جنگ سرد مربوط دانست. ایالات متحده و اتحاد شوروی سابق، دیگر فعالانه برخی درگیری های جهان سوم را تعقیب نکرده اند و در عوض به فرایندهای حل اختلاف یا بیرون کشیدن پای خود از

• سال های فعالیت نهاد مخالف به وسیله نقطه مشخص شده است (این علامت گذاری تنها درجانی بکار می رود که دو یا چند نهاد درگیر باشند).



جدول ۱ - فهرست کامل درگیری های مسلحانه در جهان در سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۲			
سال فعالیت	نهاد مخالف	ناسازگاری	مکان
۱۹۹۲ ۱۹۹۱ ۱۹۹۰ ۱۹۸۹	ارتش لبنان (میشل عون) نیروهای لبنانی نیروی نظامی دروز (Druze PSP): حزب سوسیالیست ترقی خواه امل Amal حزب الله LCP (حزب کمونیست لبنان) گروه های متشکل در ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین) PFLP-GC (جبهه مردمی برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل) SLA (ارتش جنوب لبنان) دولت سوریه دولت اسرائیل حزب ناسیونال سوسیالیست سوریه جبهه مقاومت ملی لبنان سازمان مردمی ناصری ها حزب بحث لبنان	حکومت	لبنان
	PKK (حزب کارگران کرد) چپ انقلابی	قلمرو حکومت	ترکیه آسیا:
	مجاهدین (مستقر در افغانستان) مجاهدین (مستقر در پاکستان) مجاهدین (مستقر در ایران) جناحی از ارتش JSS/SB (انجمن هماهنگی مردمی/نیروی صلح)	حکومت	افغانستان
	KR (خمرهای سرخ) / PDK (حزب دموکراتیک کامبوج) KPNLF (جبهه آزادیبخش ملی مردم خمر) FUNCINPEC (جبهه ملی متحد برای کامبوج) مستقل، بیطرف، صلحجو و منهی بر تشریک مساعی) ANS (ارتش ملی طرفدار سیهاتوک شورشیان کشمیر ^۵)	حکومت	کامبوج
	شورشیان پنجاب ^۶	قلمرو (کشمیر) (پنجاب) (آسام)	هندوستان
	ABSU (اتحادیه فراگیر دانشجویان بودو) BPAC (کمیته اقدام مردم بودو) ULFA (جبهه آزادیبخش متحد آسام) ATTIF (نیروی قبیله ای فراگیر تریپولا) BSF (نیروی امنیتی بودو) NSCN (شورای سوسیالیستی ملی ناگانند) PLA (ارتش آزادیبخش خلق) ULFA از جناحی از MCC (مرکز کمونیست - مائونیست)	قلمرو حکومت	هندوستان - پاکستان اندونزی
	اندراپرادش هندوستان - پاکستان قلمرو (تیپور شرقی) شرقی مستقل آسه آزاد	قلمرو حکومت	اندونزی آسه
	جمهوری ناگورنو - قره باغ دولت ارمنستان نیروهای نامنظم صرب اتحاد خند دولت ^۱ جمهوری اوستیای جنوبی جمهوری آبخازیه جمهوری دنیستر جبهه نجات ملی / نیروهای مسلح ملی. جبهه مردمی آذربایجان ناگورنو-قره باغ دولت ارمنستان و ANM (جنیش ملی ارمنستان)	قلمرو حکومت قلمرو قلمرو قلمرو حکومت قلمرو قلمرو	آذربایجان قلمرو کرواسی گرجستان قلمرو مولدای رومانی اتحاد جماهیر شوروی قلمرو (آذربایجان) اسپانیا انگلستان ایرلند شمالی) ایرلند جنوبی)
	PIRA (ارتش موقت جمهوری خواه ایرلند) INLA (ارتش آزادیبخش ملی ایرلند)	قلمرو قلمرو	یوگسلاوی (کرواسی) (اسلوانی) (بوسنی و هرزگوین)
	جمهوری بوسنی و هرزگوین دولت کرواسی نیروهای نامنظم مسلمان نیروهای نامنظم کرواسی	قلمرو قلمرو قلمرو قلمرو	بوسنی و هرزگوین کرواسی
	جماعت اسلامی جهاد اسلامی جبهه کردستان ^۲	قلمرو حکومت	عراق
	SAIRI مجلس اعلای انقلاب اسلامی (عراق) ^۳ گروه های متشکل در ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین) با روابط نامعلوم با ساف مانند UNLU (رهبری متحد ملی شورش مردمی، مرتبط با انتفاضة) گروه های غیر ساف و / یا با سطح نامعلوم از سازمان بافتگی مانند حماس، جهاد اسلامی و انتقام مستقیم	قلمرو قلمرو قلمرو	عراق - کویت ^۴ فلسطین / اسرائیل قلمرو

سال فعالیت	مکان	ناسازگاری (برسر)	نهاد مخالف	سال فعالیت	مکان	ناسازگاری (برسر)	نهاد مخالف
۱۹۹۲-۱۹۹۱-۱۹۹۰-۱۹۸۹	لیبریا	حکومت	NPFL (نیروهای وطنپرست ملی لیبریا) دولت بورکینا فاسو INPLF (مستقل) MPA (جنبش مردم آزاداد)	۱۹۹۲-۱۹۹۱-۱۹۹۰-۱۹۸۹	لاتویس میانمار (برمه)	حکومت قلمرو	ULNLF (جبهه آزادیبخش ملی لاتوی متحد) NMSP (حزب دولت مون جدید)
	مالی	قلمرو	POLISARIO (جبهه مردمی برای آزادیسازی ساحلی الحمراء و ریودوارو، با جبهه پولیساریو)		(اراکان) (کاپین) (کاپا) (کارن)	حکومت	KIA/KIO (سازمان / ارتش استقلال کاپین) KNPP (حزب ترقی خواه ملی کارنی) KNU (اتحاد ملی کارن / ارتش آزادیبخش ملی کارن) ^۴
	موزامبیک	حکومت	RENAMO (مقاومت ملی موزامبیک، MNR)		بهاونوگینه جدید (بوگنیول)	حکومت	BCP (حزب کمونیست برمه) ABSDF (جبهه دموکراتیک فراگیر دانشجویان برمه)
	نیجیر	قلمرو	FLAA (جبهه آزادیبخش آزادادو و آتیر)		فیلیپین	حکومت	BRA (ارتش انقلابی بوگنیول)
	رواندا	حکومت	FPR (جبهه میهنی رواندا)				
	سنگال	قلمرو	MFDC (جنبش نیروهای دموکراتیک کاسامانس)				
	سیرالئون	حکومت	RUF (جبهه متحد انقلابی)				
	سومالی	حکومت	SNM (جنبش ملی سومالی) دسته نظامی، گسترش یافته در درون SPM (جنبش میهن دوست سومالی) SSDF (جبهه دموکراتیک نجات سومالی) USC (کنگره سومالی متحد) (به رهبری مهدی) USC (کنگره سومالی متحد) (به رهبری عیدی)				
	آفریقای جنوبی	حکومت	ANC (کنگره ملی آفریقا) PAC (کنگره پان آفریکن) AZANLA (ارتش آزادیبخش ملی آزانیا)				
	سودان	قلمرو	SPLA/SPLM (ارتش / جنبش آزادیبخش مردم سودان) دسته‌ای از SPLA/SPLM جناحی از ارتش جناحی از ارتش دموکراتیک مردم اوگاندا)				
	توگو	حکومت	UPA (ارتش مردم اوگاندا)				
	اوگاندا	حکومت	HSM (جنبش روح مقدس، در ۱۹۹۰ به UDCM) (جنبش مسیحی دموکراتیک متحد) تغییر نام پیدا کرد در ۱۹۹۱ UPDCA (ارتش دموکراتیک مسیحی مردم اوگاندا) نامیده شد				
	آمریکای جنوبی و مرکزی	حکومت	FARC (نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا) ELN (ارتش آزادیبخش ملی) EPL (ارتش آزادیبخش مردمی) جناحی از FARC ELN از MAO جنبش دفاع از خود کارگران کونیشتین لیم				
	کلمبیا	حکومت	FMLN (جناح فاراباندومارتی برای آزادیسازی ملی) ^{۱۰} جبهه کشوری جرالوباریوس URNG (وحدت انقلابی ملی گواتمالا) ^{۱۱}				
	السالوادور	حکومت	تونتون ماکات جناحی از ارتش FDN (نیروهای دموکراتیک نیکاراگونه) پاناما پاناما - آمریکا پاراگونه				
	گواتمالا	حکومت					
	هائیتی	حکومت					
	نیکاراگونه	حکومت					
	پاناما	حکومت					
	پاناما - آمریکا	حکومت					
	پاراگونه	حکومت					
	سریلانکا	قلمرو	LTTE (برهاری آزادیبخش تامیل ایلام)				
	تاجیکستان آفریقا:	حکومت	JVP (جبهه آزادیبخش مردمی سینهایلیا) ارتش دموکراتیک خلق				
	الجزایر	حکومت	FIS (جبهه نجات اسلامی) کفاره و گناه تبعید و رهائی وفادار به موعظه سربازان خداوند				
	آنگولا	حکومت	UNITA (اتحادیه ملی برای استقلال کامل آنگولا) FNLA (جبهه ملی برای آزادیسازی آنگولا) FLEC (جبهه آزادیبخش منطقه کابیندا)				
	بروندی	قلمرو حکومت	آبوپوهه				
	چاد	حکومت	پالیه هوتو (حزب آزادیبخش مردم هوتو) جناحی از ارتش، در اواخر ۱۹۸۹، به نیروهای انقلابی اول آوریل گسترش یافت MOSANAT (جنبش برای نجات ملی چاد) ^۹ لژیون اسلامی CSNP (کمیته احیاء ملی برای صلح و نیروهای کوتی دموکراسی) FNT (جبهه ملی چاد) MDD (-FANT) (جنبش برای دموکراسی و توسعه) (نیروهای مسلح ملی چاد) گارد ریاست جمهوری FRUD (جبهه اعاده وحدت و دموکراسی) EPLF (جبهه آزادیبخش مردمی اریتره)				
	کومور جیبوتی	حکومت حکومت					
	اتیوپی (اریتره) (آفار) حکومت	قلمرو	ALF (جبهه آزادیبخش آفار) TPLF (جبهه آزادیبخش مردم تیگری) EPDM (جنبش دموکراتیک مردم اتیوپی) تشکیل دهنده EPRDF (جبهه دموکراتیک انقلابی مردم اتیوپی) جناحی از ارتش EPRP (حزب انقلابی مردم اتیوپی) OLF (جبهه آزادیبخش ارومو)				

مکان	ناسازگاری (برسر)	نهاد مخالف	سال فعالیت
			۱۹۸۹-۱۹۹۱-۱۹۹۲

برو	حکومت	راه درخشان	• • • •
		MRTA (جنبش انقلابی توبک آمارو)	• • • •
ترینیداد و توباگو حکومت		جماعت المسلمین	□
ونزوئلا	حکومت	جماعتی از ارتش (جنبش انقلابی بولیوار برای نجات ملی)	□

• فهرست درگیری‌ها برای سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ پس از اصلاحاتی از جدول ۳.۱ مطالعه هلت Helmt، ۱۹۹۲ بدست آمده است. بیشتر تغییرات به دلیل استفاده از حدنصاب پایین‌تر ۲۵ کشته جنگی بوده است. اطلاعات و ارقام تا ۲۰ ماه می ۱۹۹۳ گردآوری شده است.

- اتحاد ضد دولت در گرجستان متشکل از يك جناح از گارد ملی، نیروهای «واژآدمیا» و «مخدریونی» می باشد.
- جبهه کردستان شامل ۸ گروه است که بزرگترین آنها حزب دموکرات کردستان (DPK) و اتحاد میهنی کردستان (PUK) می باشد.
- تعداد کشته شدگان در ۱۹۹۲ نامعلوم و احتمالاً تلفات جانی بیش از هزار نفر است. مجلس اعلا بزرگترین گروه در بین ۱۰ گروهی است که گفته می شود در جنوب عراق فعالند.
- در ۱۹۹۱، فویت از سوی کشورهای زیر حمایت شد: آرژانتین، استرالیا، بحرین، بنگلادش، بلژیک، کانادا، چکسلواکی، دانمارک، مصر، فرانسه، یونان، هندوراس، ایتالیا، مراکش، هلند، نیجریه، نروژ، عمان، پاکستان، پرتغال، قطر، عربستان سعودی، سنگال، اسپانیا، سوریه، امارات متحده عربی، انگلیس و آمریکا.
- بنابر ادعای دولت در ۱۹۹۲ نزدیک به ۱۸۰ گروه وجود داشتند. این رقم برای سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ به ترتیب ۶۰ و ۱۴۰ گزارش شده بود.
- گزارش شده که بیش از ۲۴ نهاد و گروه‌های انشعایی در سال ۱۹۹۲ وجود داشتند.
- حداقل شش گروه که بزرگترین آنها RSO، سازمان همبستگی روهینکیا می باشد.
- احتمالاً بیش از ۱۰۰۰ کشته در ۱۹۹۱.
- جناح نظامی و Mosanat در اتحادی سیاسی بهم پیوستند، که در ۱۹۹۰ MPS (جنبش میهنی نجات) نامیده شد، و رهبری آن دبی Deby بود.
- FMLN متشکل از گروه‌های زیر می باشد: ERP (ارتش انقلابی خلق)، FAL (نیروهای آزادیبخش مسلح)، FARN (نیروهای مسلح مقاومت ملی)، FPL (نیروهای آزادیبخش مردمی فاربوندومارتی) و PRTC (حزب انقلابی کارگران آمریکای مرکزی).
- UNRG شامل گروه‌های زیر می باشد: EGP (ارتش چریکی مستمندان)، PGT (حزب کارگران گواتمالا)، FAR (نیروهای مسلح شورشی) و ORPA (سازمان خلق مسلح).

ضمیمه ۱- تعریف درگیری‌های مسلحانه

درگیری‌های مسلحانه ناسازگاری‌هایی مناقشه‌آمیز بر سر حکومت یا قلمرو است که در آنها کاربرد نیروی نظامی توسط طرفین درگیر در اختلاف، که دست کم یکی از آنها حکومت يك کشور است، حداقل ۲۵ کشته جنگی به جا گذارد. عناصر مجزا در این تعریف به شرح زیر قابل اندازه گیری شده است:

(۱) استفاده از نیروی نظامی: کاربرد اسلحه به منظور بهتر کردن موقعیت کلی طرفین در درگیری که سبب به جا ماندن کشتگانی می گردد.

(۱.۱) اسلحه: هرگونه ابزار کشنده، به استثنای قدرت بدنی و/یا نیروی

روانی، مانند سلاح‌های ساخته شده و نیز چماق، سنگ، آتش، آب، و غیره. (۲) کشته: حداقل ۲۵ کشته جنگی در هر سال و هر ناسازگاری. (۳) بازیگر: حکومت يك کشور یا هر نهاد یا اتحادیه‌ای از نهادها.

(۳.۱) حکومت: دولت مرکزی يك کشور، یا دولت محلی در آن کشور. يك دولت محلی که استقلال خود را از دولت مرکزی اعلام کرده ولی شرایط نشان داده شده در زیر را برای «کشور» بودن ندارد، بعنوان يك بازیگر کشوری منظور نمی شود.

(۳.۲) نهاد: هر گروهی از مردم که نامی برای گروهشان تعیین کرده، و از اسلحه استفاده می کنند.

(۴) کشور: يك کشور دارای خصوصیات زیر است:

(۴.۱) يك دولت واجد حاکمیت که مورد شناسایی بین المللی قرار گرفته و قلمروی مشخصی را تحت کنترل خود دارد. یا

(۴.۲) يك دولت که مورد شناسایی بین المللی قرار گرفته، بر قلمرو مشخصی کنترل دارد و حق حاکمیت آن توسط دولت مستقل و شناخته شده دیگری که قبلاً این قلمرو را کنترل می کرده، مورد معارضه قرار نگرفته باشد.

(۵) ناسازگاری: بر سر حکومت و / یا قلمرو:

(۵.۱) ناسازگاری: مواضع عموماً ناسازگاری که بیان گردیده.

(۵.۲) ناسازگاری بر سر حکومت: ناسازگاری در مورد نوع سیستم سیاسی، تعویض حکومت مرکزی یا تغییر ترکیب آن.

(۵.۳) ناسازگاری بر سر قلمرو: ناسازگاری در مورد موقعیت قانونی يك قلمرو، مانند تغییر کشوری که قلمروی خاصی را کنترل می کند (اختلاف بین - کشوری)، جدایی طلبی یا استقلال داخلی (اختلاف درون - کشوری). درگیری‌ها در جدول يك براساس مکان و به ترتیب حروف الفبا ای انگلیسی، در ۶ منطقه جغرافیایی فهرست بندی شده است:

□ اروپا: قاره اروپا، به انضمام قفقاز.

□ خاورمیانه: مصر، عراق، ایران، اسرائیل، لبنان، سوریه، ترکیه و کشورهای شبه جزیره عربی.

□ آسیا: قاره آسیا، به انضمام استرالیا، زلاندنو و اقیانوسیه.

□ آفریقا: قاره آفریقا، به انضمام کومور، به استثنای مصر.

□ آمریکای جنوبی و مرکزی: منطقه جغرافیایی آمریکای جنوبی و مرکزی، به انضمام کشورهای واقع شده در دریای کارائیب.

ستون «مکان» بازیگران دولتی را نشان می دهد، و ستون «نهاد مخالف» بازیگر یا بازیگران مخالف را بیان می دارد.

انواع درگیری‌های مسلحانه به شرح زیر تعریف می شود:

□ درگیری مسلحانه کوچک: به وسیله مستطیل سفید نمایش داده شده است. تعداد کشته شدگان در این نوع درگیری حداقل ۲۵ نفر در هر سال و کمتر از ۱۰۰۰ نفر در کل دوران درگیری می باشد.

□ درگیری مسلحانه متوسط: بوسیله مستطیل سایه دار نشان داده شده است. و بین ۲۵ تا ۱۰۰۰ کشته جنگی در هر سال و حداقل ۱۰۰۰ کشته در کل دوران درگیری برجای می گذارد.

□ جنگ: بوسیله مستطیل سیاه نشان داده شده، و حداقل ۱۰۰۰ کشته جنگی در هر سال را سبب می شود.

□ درگیری مسلحانه بزرگ: شامل دو نوع از شدیدترین درگیری‌ها (یعنی درگیری‌های مسلحانه متوسط و جنگ) می شود. در مورد درگیری بین - کشوری، طرفین دعوا در ستون «مکان»، با يك خط تیره بین اسم دو کشور مشخص شده اند.

یادداشتها

برای اختلافاتی که در آنها چند بازیگر درگیر هستند، فعالیت بازیگران در هر سال با یک نقطه مشخص شده است.

ضمیمه ۲. درگیری‌های مبهم یا مردود

مکان	ناسازگاری	نهاد مخالف	سال فعالیت
چین	قلمرو (سینکیانگ)	حزب اسلامی ترکستان شرقی	۱۹۹۰
هائیتی	حکومت	جناحی از ارتش (سهایان لوبارد) جناحی از ارتش (گردان دسالینها)	۱۹۸۹ ۱۹۸۹
هندوستان	قلمرو (جهارخند)	کمیته هماهنگی چهارخند اتحادیه فراگیر دانشجویان چهارخند	۱۹۸۹ ۱۹۸۹
	قلمرو (انتهراپرادش)	چهارخند موکتی مورکا ناکسالینها / PWG (گروه جنگ خلق)	۱۹۸۹، ۱۹۹۲ ۱۹۹۱
	قلمرو (تریپولا)	TNLF (جبهه آزادیبخش ملی تریپورا)	۱۹۸۹
اندونزی	قلمرو (تیمور شرقی)	فرتیلین (جبهه انقلابی برای تیمور شرقی مستقل)	۱۹۹۰-۹۱
	قلمرو (ایربان غربی)	OPM (جیش پاهوآی آزاد)	۱۹۸۹-۹۲
لانوس	حکومت	گروه مخالف احتمالاً ULNLF (جبهه آزادیبخش ملی لانوی متحد) نیروی نجات ملی لانوی دموکراتیک آزاد	۱۹۹۲ ۱۹۹۲
مالی	قلمرو (آزاداد)	MPA (جیش مردم آزاداد) FPLA (جبهه مردمی آزاداد) FIAA (جبهه عربی اسلامی آزاداد)	۱۹۹۱ ۱۹۹۱ ۱۹۹۱
میانمار (برمه)	قلمرو	BNDF (جبهه دموکراتیک ملی برمه) BNUO (حزب متحد ملی برمه) نوم سوک هارن (جنگجویان دلیر جوان) ارتش دموکراتیک ملی NMSP (حزب دولت مون جدید) شورشیان ناگا، احتمالاً NSCN، شورای سوسیالیست ملی ناگالند SSA (ارتش ایالت شان)	۱۹۸۹ ۱۹۸۹-۹۰ ۱۹۸۹-۹۰ ۱۹۸۹-۹۰ ۱۹۹۱ ۱۹۹۲ ۱۹۸۹-۹۰
فیلیپین	قلمرو (میندانائو)	MNLF (جبهه آزادیبخش ملی موروا)	۱۹۸۹-۹۰
سنگال	قلمرو (کاسامانس)	MFDC (جیش نیروهای دموکراتیک کاسامانس)	۱۹۹۱
سورینام	قلمرو	SLA (ارتش آزادیبخش سورینام)	۱۹۸۹
توگو	حکومت	جناحی از ارتش	۱۹۹۲
ویتنام	قلمرو (مناطق مرتفع نژادهای مظلوم مرکزی)	FULRO (جبهه متحد برای آزادسازی نژادهای مظلوم)	۱۹۸۹

۱- برخلاف تجربه روسیه تزاری و امپراتوری اتریش - مجارستان، سایر امپراتوریهای استعمارگر (مثلاً امپراتوریهای انگلیس و فرانسه در آسیا و آفریقا) با روشهای نسبتاً صلح آمیز سقوط کردند. ولی، چنین مقایسه‌هایی بستگی به تاریخ آغاز روند انحلال دارد. جنگ افغانستان که در سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۷ آغاز شد، می‌تواند بعنوان آغاز خشونت‌آمیز پایان اتحاد جماهیر شوروی در نظر گرفته شود.

۲- برای تعریف و سنجش عملی مفاهیم ر.ک. به: هلث Heltد ۱۹۹۲، ولیندگرن Lindgren ۱۹۹۱. معیار پائین ۲۵ کشته جنگی برای بالا بردن اعتبار سیستم طبقه‌بندی به کار گرفته شده است.

۳- برای توضیح دلایل نظری تأکید بر ناسازگاری، ر.ک. به: والنستین Wallenstein ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸.

۴- استفاده از عبارت «درگیری‌های مسلحانه» تا حدی با روشهای قبلی در پروژه آپسالا Uppsala تفاوت دارد. در گزارشهای پیشین (هلث Heltد ۱۹۹۲، لیندگرن Lindgren ۱۹۹۱، والنستین Wallenstein ۱۹۸۹) درگیری‌های با کمتر از ۲۵ کشته جنگی نیز منظور شده است. همانگونه که در چند بخش از سالنامه سپهری Sipri و در هلث Heltد ۱۹۹۲-۳، لیندگرن Lindgren ۱۹۹۱، ۱۹۹۰، و ویلسون والنستین Wallenstein & Wilson ۱۹۸۹ عمل شده است، درگیری‌های مسلحانه بزرگ شامل درگیری‌هایی با کمتر از ۲۵ کشته جنگی هم می‌شود. در واقع، این تفاوت در تعریف درگیری‌های مسلحانه بزرگ اهمیت تجربی ناچیزی برای این دوره دارد.

تغییرات مربوط به اطلاعات پیش‌تر گزارش شده در مورد درگیری‌های مسلحانه به دلیل حذف بعضی از درگیری‌های کوچکتر، و در باره‌ای از موارد به خاطر گردآوری اطلاعات جدیدتر می‌باشد.

۵- تمام این درگیری‌ها دارای تاریخچه‌ای طولانی و عمدتاً استعماری (مربوط به دوران استعمارگری عثمانی، انگلیس، فرانسه، و ایالات متحده آمریکا) است.

این تاریخچه، بر مسئله مرزها و حق حاکمیت اثر گذارده است. به هر حال، تا سال ۱۹۸۹ همه طرفهای درگیری‌ها یکدیگر را بطور قانونی مورد شناسایی قرار داده بودند.

فهرست منابع مقاله در دفتر ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی موجود است.

* برای بیشتر درگیری‌هایی که در اینجا ذکر شده‌اند، و در جدول ۲ منظور نشده‌اند گزاره‌هایی در مورد استفاده از نیروهای نظامی وجود دارد اما اطلاعات در زمینه تعداد کشته شدگان

موجود نیست. در مواردی فعالیت‌های گروه‌های خاصی نامعلوم است در حالی که فعالیت‌های سایر گروه‌ها در همان درگیری ممکنست که مشخص باشد. بطور مثال، برای فرتیلین در اندونزی

فعالیت و تعداد تلفات برای سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۲ معلوم است. در حالی که این آمار برای سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ معلوم نیست. در نتیجه، فرتیلین هم در جدول ۱ و هم در ضمیمه ۲ دیده می‌شود. میانمار و لانوس مثالهای دیگری از کشورهایی هستند که در هر دو فهرست پیدا می‌شوند. در میانمار (برمه)، و نیز در لانوس چندین درگیری و گروه‌های فعال بسیاری وجود دارند. اما اطلاعات خیلی کم است.